

زنان و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

فاطمه حسین پور^۱

چکیده

مسئله زنان و نقشی که در جنبش های معاصر ایران ایفا کرده اند از جمله مسایلی است که با توجه به مهم و تاثیرگذار بودن آن، در تاریخنگاری تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته است. لذا می طلبد که پژوهش هایی در این زمینه به رشته نگارش درآید تا نه تنها برهه هایی از تاریخ ایران ملموس و روشن تر شود بلکه با عنایت به نقش تاریخی زنان در حوادث انقلاب اسلامی، این قشر به عنوان نیمی از جامعه ایران میدان بیشتری در سایر زمینه های علمی، سیاسی و اجتماعی داده شود. همین مهم سبب شد تا نگارنده به واکاوی کنش زنان در حوادث سال ۱۳۴۲ بپردازد. از این رو مسئله اصلی تحقیق حاضر میزان مشارکت زنان در تظاهرات ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است و اینکه دلیل این حضور زنان چیست؟ لذا نگارنده برای رسیدن به پاسخی درخور با استفاده از منابع کتابخانه ای اطلاعات مورد نظر را گردآوری و سپس فکت های مربوط به موضوع از میان داه های اولیه جدا کرده و برای تحلیل فکت ها از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

کلید واژه ها: زنان، حکومت پهلوی، قیام ۱۵ خرداد، تهران، امام خمینی.

^۱ کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه الزهراء(ع).

Women and the uprising 's 15th of Khordad 1342

abstract

The issue of women and the role they have played in contemporary movements, including those that Owing to the importance and efficiency of its history is somewhat neglected. This requires that research in this field to be writing field Not only periods of Iranian history is more tangible and clear But also with regard to the historical role of women in the Islamic Revolution events of the cortex as half of society More fields in other areas of science, politics and society are given. This led the authors to investigate the actions of women's events in 1342. The main research question of the participation of women in protests 's 15th of Khordad 1342, and that because of the presence of women? So the author to achieve proper response using library resources to gather information And then separate the facts related to the subject of the initial data, and to analyze the facts Analytical method is used.

Keywords: women, Pahlavi regime, uprising 's 15th of Khordad, Tehran, Imam Khomeini.

مقدمه

دوره قاجار آغاز حرکت جمعی زنان در ایران است؛ دوره‌ای که زنان به علت نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی ناشی از ضعف دولت، در برابر دولت‌های استعمارگر خارجی و حکومت استبدادی داخلی در پی مردان و به هدایت، تشویق و تأیید آنها، به نهضت‌های اجتماعی پیوستند و نقش مؤثری داشتند.

نخستین حرکت ملی در دوره معاصر پس از شکست ایران در جنگ با روسیه، جنبش خود جوش مردم تهران در دفاع از زنان گرجی مسلمان شده‌ای بود که سفیر مستبد روس می‌خواست با تفسیر یکی از مواد معاهده ترکمانچای، آنها را از شوهران و فرزندان خود جدا کرده و با تغییر مذهب روانه گرجستان سازد. این عمل نزد مسلمانان تجاوز به ناموس ملی و مذهبی به شمار رفت و مورد اعتراض مردم قرار گرفت. زنان تهران در این واقعه، حاضر بودند و تا آخرین دقیقه‌ای که هیاهوی مردم در خراب کردن سفارت روس و قتل عوامل این بی‌حرمتی ادامه داشت، آنها نیز از پای ننشستند. (مصفا ۱۳۷۵: ۳۴، ۳۳).

در تظاهرات دیگری که مردم تهران در دفاع از امیرکبیر به پا کردند، زنان شرکت داشتند. درخشان‌تر از این دو واقعه، اتحاد و همبستگی زنان در جنبش تحریم تنباکو بود. در اواخر سلطنت ناصر الدین شاه قاجار، توتون و تنباکو در انحصار یک کمپانی بیگانه درآمد. مردم (حتی زنان دربار) که تا آن زمان هرگز در اوامر سلطان چون و چرا نمی‌کردند در این جهاد به دستور آیت الله سید حسن میرزای شیرازی، شرکت کردند. این جنبش که در زمان ناصرالدین شاه به وقوع پیوست، از جمله مهم‌ترین حرکت‌های گسترده‌ی سیاسی دوره قاجار است که برای نخستین بار مردم در برابر استبداد و استعمار مقاومت کرده و قادر به قبولاندن خواسته خویش

بر نظام خودکامه قاجاری شدند. در این شورش که در پی فتوای علما در اعتراض به واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به تالبوت انگلیسی به راه افتاد، زنان نقش پررنگی را ایفا نمودند. تعداد زیادی از زنان سنگلج جهت حمایت از شورش تنباکو و تداوم مبارزه، اقدام به بستن بازار کرده و با این اقدام حیات اقتصادی بازار را به مخاطره انداختند. پس از بستن بازار، جمعیت انبوه زنان به طرف ارگ دولتی به راه افتادند و مردان نیز به دنبال زنان روانه ارگ شدند. زنان حرم ناصرالدین شاه هم قلیان ها را شکستند و در مقابل دستورات صریح شاه مقاومت کردند. (واحد ۱۳۷۳ : ۱۳؛ همچنین برای آگاهی از مبارزان زنان رک. مراد حاصلی خامنه ۱۳۸۶). این جنبش، محدود به زنان تهران نبود. بسیاری از زنان در شهرهای بزرگ به خیابان ها ریختند و به تظاهرات پرداختند. حتی زنان ایلاتی درکنار مردان در این جنبش شرکت کردند. از آنجا که مأموران دولتی با زنان درگیر نمی شدند، لذا زنان در بیشتر موارد پیشاپیش مردان حرکت و از آنان دفاع می کردند. بدین ترتیب مشارکت فعال زنان در نهضت تنباکو سبب تشدید قدرت و تأثیرگذاری این حرکت شد.

زنان ایران در نهضت مشروطیت هم بی‌اعتنا و منفعل نبودند و از این تاریخ به بعد بیداری واقعی زنان ایران آغاز شد. یکی از جلوه های حضور زنان در مشروطیت، اعتراض زنان تهران به منظور بازگرداندن علما از حرم عبدالعظیم به تهران بود. (تیموری ۱۳۶۱: ۱۵۲، ۱۵۳). زنان در قیام مشروطه همراه با مردان، در آوردن علما به مسجد جهت سخنرانی و افشاگری، مسئولیت حفظ جان سخنرانان را عهده دار بودند. یکی از این بانوان از سوی زنان آزادیخواه تهران موظف گردید هر وقت عالمی بر فراز منبر می رود، با کمک دیگر زنان و با چماق هایی که زیر چادر

مخفی کرده بودند، در اطراف منبر به پاسداری بپردازند تا در صورتی که حامیان استبداد قصد آشوب داشتند، آنها را سرکوب کنند.

همچنین در طرح تحصن مشروطه خواهان در سفارت بریتانیا، زنان نیز بر آن شدند به مردان متحصن بپیوندند. گر چه نگهبانان سفارتخانه مانع از ورود همه ی مردم به ساختمان سفارت شدند. (آفاری ۱۳۷۹: ۲۳۵). ناظم الاسلام کرمانی می نویسد: «امروز هشتم جمادی الاخر ۱۳۲۴ هجری تمام بازار بسته است. شهرت یافته زنان خیال اجتماع و اعتراض دارند، برای اینکه شوهران آنها مدتی است در سفارت مانده اند. زنی ناشناس آمد لب سفارتخانه و حاج محمدتقی را طلب نمود و دسته ای اسکناس به او داد و گفت: خرج متحصنین کن، حاجی پول را گرفت، ولی موفق نشد آن زن را بشناسد.» البته با تمام این رشادت ها و هرچند بانوان در تمامی مراحل که به پیروزی نهضت مشروطه فرجامید حضور داشتند اما در اولین مصوبه، حقوق آنان نادیده گرفته شد، زیرا در ماده سوم و پنجم نظامنامه انتخابات مجلس، زنان در کنار اطفال و اتباع بیگانه، از حق انتخاب شدن به نمایندگی و حتی انتخاب کردن نمایندگان مجلس شورای ملی محروم شدند. با این وجود، زنان پیگیر امور مجلس و سامان یافتن اوضاع براساس قوانین و زوال استبداد بودند.

وضعیت زنان در دوره پهلوی

تغییرات وسیع در امور زنان، از دوره پهلوی آغاز شد. دوره ی پهلوی فرایند نوگرایی، امتیازاتی برای بخش هایی از طبقات بالا و متوسط جامعه در پی داشت، اما این فرایند به بخش سنتی و مذهبی جامعه که اکثریت بودند، آسیب می رساند. عامه ی مردم، با روحانیون ارتباط مستحکمی داشتند و به همین دلیل تعارض مستمر و جناح بندی های جدیدی بین نوگرایان از یک طرف و روحانیون، قاطبه ی مردم، از

جمله بازار سنتی از طرف دیگر، به وجود آمد که موضوع حضور یا عدم حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و غیره این حضور، قسمتی از موضوع اختلافات به وجود آمده بود. از نگاه تجددگرایان دوره پهلوی حضور بدون قید و شرط فرهنگی و دینی زنان در اجتماع، کشف حجاب و دور شدن آنها از باورهای دینی و فرهنگ ملی نماد نوگرایی به حساب می آمد و حکومت در پی دامن زدن به آن بود. این حرکت به شکاف اساسی بین مردم متدین به رهبری روحانیان از یک طرف و پیشقراولان فرهنگ غرب از طرف دیگر انجامید. پس از شهریور ۱۳۲۰ و تبعید رضا شاه، زنان نیز همانند دیگر افراد جامعه در صحنه اجتماعی و سیاسی حضور داشتند. آنان فرصت یافتند تا آشکارا علیه بی حجابی و قانون اجباری کشف حجاب که سوغات اجباری تمدن غرب به حساب می آمد وارد عمل شوند. زنان تمام قوانین و محدودیت هایی را که برای حجاب آنان تعیین شده بود، نادیده گرفتند. (واقعه کشف حجاب در دوره ی رضاشاه، ۱۳۷۳: ۴۲۴). طرح بازگشت به حجاب دینی و ملی ایرانیان، از عوامل سیاسی شدن بخش های مهمی از جامعه ی زنان شد. در این دوره، زنان علاوه بر انجام فعالیت های اجتماعی، گاه و بیگاه در احزاب سیاسی نیز حضور داشتند (حافظیان، ۱۳۸۰: ۶۲).

زنان و حوادث ۱۵ خرداد

پس از فوت آیت الله سید حسین بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ و حضور بیشتر امام خمینی در صحنه های سیاسی و اجتماعی کشور، مبارزات امام با حکومت پهلوی شدت گرفت. نخستین جرقه ی این مبارزه نیز در ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی بود. این لایحه اصولی داشت مانند شرکت زنان در انتخابات و حذف اعتقاد به اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان که این اصول از دیدگاه

مراجع، مخال شریعت اسلام و قانون اساسی بود که در نهایت با عقب نشینی حکومت و پذیرش خواسته‌های مراجع و به ویژه امام خمینی آرامش نسبی تا مدتی به کشور بازگشت (روح بخش ۱۳۸۱: ۱۲۷ - ۱۳۰؛ شاهدی، ۱۳۷۹: ۲۰۳).

بعد از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی، زمزمه انجام فراندوم در محافل دولتی شنیده شد. در روزهای نخست بهمن ماه ۱۳۴۱، دولت در تلاش بود تا زمینه را برای فراندوم ۶ بهمن آماده کند. زنان در کنار روحانیت و مردم به مخالفت با فراندوم پرداختند. در دوم بهمن تعدادی از کسبه تهران که در میان آنان تعداد قابل توجهی از زنان نیز حضور داشتند به منزل آیت الله سید محمد بهبهانی رفتند و سپس به دستور ایشان به طرف بازار راه افتادند و از بازاریان خواستند بازار را ببندند. مردم هم بازار را بستند، زنان وقتی به مقابل مغازه ها می رسیدند می گفتند که ما خواهران شما هستیم ما را اسیر کردند. دین از دست رفت. (یاران امام به روایت اسناد ساواک (محمد تقی فلسفی)، ۱۳۷۸: ۲۱۲). این، اولین نمونه از شرکت زنان در مبارزات علیه حکومت پهلوی دوم بود که زمینه ساز حرکت های بعدی آنان شد.

مخالفت ها و اعتراض های روحانیت بعد از تصویب انقلاب سفید از طریق فراندوم وارد مرحله ی تازه ای شد، به ویژه در ۸ اسفند ۱۳۴۱ اعلام شد که به زنان حق رای داده شده است. روحانیت احساس کرد ملازم با حضور زنان، حذف قید اسلام هم عملی شده است و آن را در راستای سیاست اسلام زدایی تحلیل کردند و به طور منطقی با آن به مخالفت پرداختند. پس از آن محمد رضا شاه در ۲۳ اسفند ۱۳۴۱ در پادگان هوایی دزفول روحانیون را مرتجع خواند و به مجازات تهدید کرد. چندی بعد روحانیون به رهبری امام خمینی در اعلامیه هایی تصریح کردند که نوروز ۱۳۴۲ جامعه ی روحانیت عزادار و به عنوان عید جلوس نخواهند

داشت. (روحانی ۱۳۶۰ : ۱ / ۳۲۹؛ حسینیان ۱۳۸۲: ۲۲۳). رژیم در ۲ فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه فیضیه هجوم بردند و چند نفر کشته و زخمی شدند. در این روز شهربانی هم به مدرسه طالبه تبریز حمله کرد. (باقری ۱۳۸۷: ۱۰۱، ۱۰۲) روز ۲ فروردین ۱۳۴۲ جمعیت زیادی از مردم تبریز که تعداد زیادی از آنان را زنان تشکیل می‌دادند علیه رژیم تظاهرات کرده، ماموران را مورد حمله قرار دادند و قصد داشتند شهربانی و ساواک را آتش بزنند. زنان در این جریان می‌گفتند ما جان خود را در راه دین و قران و علما خواهیم داد (قیام پانزده خرداد به روایت اسناد (فیضیه) ۱۳۷۸: ۵۷ / ۲).

با سخنرانی امام خمینی در عصر عاشورای ۱۳۴۲ مأموران انتظامی وی را در ساعت ۳ بامداد ۱۵ خرداد دستگیر و به تهران منتقل نمودند. (کیهان ، ش ۵۹۵۹ ، ۱۵ خرداد ۱۳۴۲: ۱۱) با انتشار خبر دستگیری امام خمینی، مردم قم در حمایت از امام و آزادی ایشان به خیابان‌ها ریختند و دسته دسته از اطراف شهر به طرف حرم حضرت معصومه (ع) حرکت کردند. نکته قابل توجه در این روز حضور گسترده و چشمگیر زنان آن شهر در کنار مردان بود که یکصدا خواستار آزادی مرجع تقلیدشان بودند. زنان به خاطر دستگیری این عالم بزرگ «مانند کسی که فرزندش مرده باشد گریه میکردند و اشک میریختند.» و شعار «یا مرگ یا خمینی» سر می‌دادند. (طهماسبی ۱۳۸۵: ۶۶ / بشارتی ۱۳۸۵: ۴/۴۸). روز ۱۵ خرداد زنان در کوچه حکیمی قم گرد هم آمدند و مانند مبارزان واقعی در صحنه جنگ با چوب ، کارد ، قند شکن ، سیخ کباب ، و حتی خنجر در مقابله با سلاح گرم نیروهای حکومت پهلوی و پیشاپیش مردان در کوچه و خیابان به حرکت درآمدند و به طرف صحن حضرت معصومه (ع) حرکت کردند. (روحانی، ۱۳۶۰: ۴۷۶). در همین هنگام صدها

زن چادری که بیشتر شان از اقشار پایین شهر بودند مسلح و با در دست داشتن عکس های امام وارد صحن شده و شعارهایی در حمایت از امام سر میدادند و با گریه و زاری هیجان و احساسات زیادی از خودشان نشان می دادند. بنا به گزارش ساواک در ساعت ۹/۳۰ عده زیادی از زنان در مسجد اعظم قم بوده و در حمایت از امام شعار می دادند. (منصوری ۱۳۷۸: ۱۶/۲). این عمل زنان بار دیگر هیجان را به تظاهر کنندگان باز گرداند و جمعیت متحصن را به جوش و خروش انداخت آه و ناله زنان بر نفرت مردم از رژیم می افزود. با سیل احساساتی که زنان راه انداخته بودند جمعیت نتوانست مدت زیادی در زیر سقف حرم پناه بگیرد. پس از مدتی اقامت در صحن، حوصله ی حضار سرآمد و تصمیم گرفتند از حرم خارج شوند. در حالی که زنان پیشاپیش حرکت کرده و شعار بر ضد شاه و حمایت از امام سر می دادند از صحن بیرون آمدند. هنوز چند متر بیشتر حرکت نکرده بودند که مأموران به مقابله آنان آمدند و ابتدا به زنان که در صف اول و پیشقراول بودند شلیک کردند، در نتیجه ی آن تهاجم تعدادی از زنان شهید و مجروح و همانند بسیاری از برادران خود به خاک و خون کشیده شدند. (همان ۱۳۷۸: ۱۷/۲). به این ترتیب باید اشاره کرد که در آغاز دهه ۱۳۴۰ یک نوع همکاری ظریف اما مستحکم بین روحانیت و قشر زنان به وجود آمده بود. این قشر به شدت تحت تاثیر سخنان امام خمینی قرار گرفته بودند که دائم در سخنانشان به عفت و پاکدامنی زن ایرانی اشاره کرده و با تاکید بر رعایت حجاب اسلامی از حقوق شرعی آنان نیز دفاع می کردند.

در میان زنان قم، ساکنان محله چهار مردان نقش عمده تری در تظاهراتها داشتند و در واقع آنان، پیشرو زنان قم برای شرکت در انقلاب بودند (شیرخانی ۱۳۵۷: ۵۸). امام خمینی درباره پیشرو بودن زنان محله چهارمردان، در اردیبهشت سال

۱۳۵۸ فرمودند: «نام بزرگ ملت ایران در عالم به رشد سیاسی ثبت شد؛ نام بزرگ قم در بین ملت ایران به رشد سیاسی و فعالیت و جانفشانی در تاریخ ثبت شد، نام بزرگ چهارمردان در فداکاری و جان نثاری در تاریخ عالم ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان ایران ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان قم ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان چهارمردان ثبت شد؛ بانوان قم و بانوان چهارمردان پیشرو این نهضت اسلامی بودند، رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند، نهضت را راهنمایی کردند، شما رهبران نهضت هستید، بانوان رهبر نهضت ما هستید، ما دنباله‌ی آنها هستیم، من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شمایم.» (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

حضور زنان در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ چنان چشمگیر بود که شهربانی و ساواک در آن گزارش‌هایی دادند. در گزارش ساواک قم در ساعت ۹ صبح ۱۵ خرداد چنین آمده است: «جمعیت هنوز در صحن باقی است زنان در مسجد اعظم به نفع خمینی اجتماع نموده اند روحانیون طراز اول در منزل حاج سید احمد زنجانی مجتهد جلسه مشورتی دارند.» (منصوری، ۱۳۷۸: ۱۵/۲).

در گزارش شهربانی به تاریخ ۴۲/۳/۲۷ که در باره وقایع ۱۵ خرداد تنظیم شده نیر چنین آمده است: «زن‌ها را هم به دنبال آنها (مردان) حرکت می‌دادند و تعدادی قمه و قداره زیر چادرهای زن‌ها و تعدادی هم در یک کیسه شکری ریخته ... بین افراد خود تقسیم وارد صحن می‌شوند ...» (منصوری، ۱۳۷۸: ۱۸). این دو گزارش حکایت از حضور فعال و تأثیرگذار زنان در قیام ۱۵ خرداد برای دفاع از اسلام و مرجعیت تشیع دارد.

در تظاهرات ۱۵ خرداد در تهران، زنان نقش بسزایی ایفا کردند و با توجه به اسناد بسیار اندکی که از حضور زنان در این نهضت حکایت دارد تعدادی از شهدا و

مجروحان این دو روز را زنان تشکیل می‌دادند. از ۲۳ نفر مجروح و مصدومی که به بیمارستان سینا منتقل شدند، چهار نفر زن بودند که یک نفر آنان (نرگس پاشایی) شهید شد. در بیمارستان فیروزآبادی از میان ۱۹ نفر، در بیمارستان پهلوی (جاده کرج) از ۱۷ نفر و در بیمارستان شفا یحیائیان از میان ۱۹ نفر، یک نفر زن بود. در مجموع، در این چهار بیمارستان، شش نفر از مجروحان زن بودند. (دهنوی ۱۳۶۰: ۱۱۹-۱۳۸). در تظاهرات ۱۶ خرداد ۱۳۴۲ در تهران زنان مبدع شیوه‌ای در مبارزه شدند که بعدها در سراسر تظاهرات‌ها و جریان‌ها کاربرد داشت. این شیوه، تلاش برای ایجاد الفت با نیروهای نظامی و کشاندن آنان به حمایت از نهضت بود. برای این منظور تعدادی از زنان در میدان توپخانه و بازار، میان سربازانی که برای سرکوب مردم اعزام شده بودند، میوه و شیرینی پخش می‌کردند تا بدین ترتیب، آنان را به نهضت مایل کنند و از برخورد با تظاهرات‌کنندگان بازدارند. (قیام پانزده خرداد به روایت اسناد(زندانی)، ۱۳۷۸: ۳/۲۴).

در شهر خمین زنان نقش مهمی در وقایع و تظاهرات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ایفا کردند. پس از اینکه خبر دستگیری امام به شهر خمین رسید، مردم آنجا به هیجان آمده و در میادین و خیابان‌های اصلی شهر جمع شدند و در اعتراض به این اقدام حاکمیت دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. زنان نقش مهمی در این تظاهرات داشتند. آنها مانند زنان شهر قم علیه شاه شعار سر داده و ناله و شیون می‌کردند و با آه و فغان می‌گفتند: «یا مرگ یا خمینی» و به نشانه عزاداری در ماتم دستگیری امام خاک و کاه مخلوط کردند و بر چادرهایشان می‌ریختند. وقتی مأموران، برای متفرق کردن تظاهرات‌کنندگان به مقابله با آنان آمدند، زنان نخستین گروهی بودند که با آنان

درگیر شدند و با این کار خود، مردان را تشویق کرده و از آنان خواستند در برابر یورش ماموران مقاومت کنند(مرادی‌نیا، ۱۳۷۷: ۴۹).

تظاهرات مردم ورامین با توجه به تقارن با عاشورا و مراسم های خاصی که اجرا میکردند رنگ و بویی عاشورایی و حسینی به خود گرفت. مردم در حال اجرای مراسم دینی بودند که خبر دستگیری امام خمینی را شنیدند و یکباره مراسم تظاهرات ضد حکومتی تبدیل شد و مردم و جوانان کفن پوش به طرف تهران حرکت کردند. در این تظاهرات زنان هم با اشتیاق خاصی با مردان همراه شدند اما مردان با رفتن آنها مخالفت کردند ولی هنوز به پل حاجی(میدان شهید چمران فعلی) نرسیده بودند که باز هم مشاهده کردند زنان مخفیانه دنبالشان میروند این بار هم مانند دفعه پیش مانع از رفتن آنها به تهران شدند. ولی در میان شهدای قیام ۱۵ خرداد در ورامین نام دو نفر شهید زن نیز قید شده که در مسیر ورامین به تهران شهید شدند.(حسین‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۵؛ حاجی بیگی کندری ۱۳۸۳: ۲۵۰).

در شیراز آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب و سید مجدالدین مصباحی شب ۱۵ خرداد از قول شیخ بهاءالدین محلاتی روی منبرها اعلام کردند که بر عموم مردم واجب است که برای ابراز مخالفت با دستگیری امام، روز پنج‌شنبه ۱۶ خرداد بازار و مغازه‌ها را تعطیل کنند و در مسجد نو جمع شوند. بلافاصله بعد از این سخنرانی مأموران به منزل آیت‌الله دستغیب و سایر علمای شیراز حمله بردند. هنگامی که ماموران برای دستگیری آیت‌الله دستغیب رفتند، همسر ایشان مقاومت زیادی در مقابل مهاجمان از خود نشان داد و به خاطر رشادت او آیت‌الله دستغیب توانست از معرکه‌هایی یابد(یاران امام به روایت اسناد ۱۳۷۸: ۱۰ / ۱۱۹-۱۲۹). ولی کماندوهایی که به خانه او ریخته بودند جنایات و فجایع زیادی انجام دادند به هر

کسی می‌رسیدند و با هر چه که در دست داشتند می‌زدند با نهایت قساوت و بی‌رحمی سر و دست و پای مردم را می‌شکستند چند نفر از بستگان آیت الله دستغیب را در حین پرس‌وجو از محل ایشان به شدت کتک زدند آنان به زنان و بچه‌ها هم رحم نمی‌کردند یکی از خانم‌ها را که حامله و در خواب بود چنان زدند که سقط جنین کرد خانم دیگری را سر و دستش شکستند. (همان، ۱۳۷۸: ۱۲۶؛ سربداران کوچک و بازار ۱۳۸۵: ۷۳). در ۱۶ خرداد شماری از مردم شیراز که تعداد زیادی زن هم در میان آنان حضور داشت، به پیروی از دستورات علما و بی‌خبر از وقایع شب گذشته و اقدام دولت برای توقیف علما شهر، در مسجد جامع عتیق جمع شدند و پس از مدتی تحصن و شعار دادن از آنجا به سوی مسجد نو راه افتادند. تظاهرات‌کنندگان، که زنان پیشاپیش آنان بودند، به مسجد نو رسیدند، در آنجا تحصن کردند و در حمایت از امام و علیه رژیم شعار دادند. جمعیت، منتظر آمدن آیت‌الله دستغیب ماندند و چون از ایشان خبری نشد، به حال اعتراض از مسجد بیرون آمدند و در خیابان‌های اطراف به تظاهرات پرداختند دسته دسته به طرف بازار وکیل حرکت و با پلیس درگیر شدند حکومت برای سرکوب نمودن این قیام در شیراز، لشکر جنوب را به کمک شهربانی فرستاد. در درگیری‌های اولیه، ابتدا پلیس به سوی تظاهرکنندگان گاز اشک آور شلیک کرد اما با شدت یافتن اعتراض به سوی آنها آتش گشود که در نتیجه آن، عده‌ای از جمله تعدادی از زنان شهید شدند که هنوز هیچ آمار دقیقی از آنها در دست نیست. (یاران امام به روایت اسناد، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۱۱۹-۱۲۹) زنان در توزیع اعلامیه‌ها در قبل و بعد از قیام ۱۵ خرداد نقش داشتند و از ابتدای نهضت این امر به زنان واگذار شده بود زیرا کمتر مورد سوظن واقع می‌شدند. (باقری ۱۳۸۸: ۱۱۵). همچنین بعد از دستگیری امام در

۱۵ خرداد زنان تلگراف هایی برای آزادی ایشان فرستادند که در گزارش های ساواک نیز آمده است. از جمله آن تلگرافی است که از سوی ۹۲ تن از زنان اهواز به رئیس ساواک حسن پاکروان ارسال و درخواست آزادی امام شده است. (عصر مبارزات امام در آئینه اسناد به روایت ساواک ۱۳۸۶: ج ۲ / ۹۷، ۹۸).

نتیجه گیری

دوره قاجاریه را باید شروع وجود و حضور زنان در جنبش های اجتماعی و سیاسی دانست. چرا که آنها با نقش آفرینی در جنبش هایی همچون رژی، مشروطه و . . . به خوبی در عرصه جامعه ظاهر شده و به وظیفه ملی و دینی خود در برابر استعمار و استبداد عمل کردند. هر چند این نقش تاریخی زنان آنچنان که در خور و شایسته است مورد حمایت قرار نگرفت.

دوره پهلوی که جامعه ایران شاهد نوسازی بود رضا شاه می خواست با کشف حجاب در نظر خودش این قشر را اجتماعی کرده به صحنه اجتماع بیاورد. سیاست رسمی این بود که زنان ایران باید خود را با انتظارات نظم جدید پهلوی تطبیق دهند و آماده سازند. آنها باید در تعلیم و تربیت، لباس پوشیدن و فعالیت های اجتماعی از خواهران غربی خود پیروی کنند که این سیاست ها در مواردی با مخالفت زنان به شکست انجامید.

اوج حضور زنان را باید در نهضت امام خمینی و در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دید. در واقع این قیام آغاز حضور فعال زنان در نهضت امام خمینی به شمار می رود. این قشر به شدت تحت تاثیر سخنان امام خمینی قرار گرفته بودند که دائم در سخنانش به عفت و پاکدامنی زن ایرانی اشاره کرده و با تاکید بر رعایت حجاب اسلامی از حقوق شرعی آنان نیز دفاع می کرد. بی جهت نبود فریاد «خمینی خمینی» آنها در این روز

هیات حاکمه که خود را حامی زنان می‌دانست شگفت زده نمود. میزان مشارکت بانوان در قیام بستگی به میزان شدت و ضعف واکنش های شهرها به بازداشت امام داشت. از این رو تهران، قم و شیراز نسبت به دیگر نقاط نقش زنان پررنگ تر بود. نباید از نظر دور داشت که بعد از قیام ۱۵ خرداد نیز مبارزات زنان همچنان ادامه داشت هر چند بیشتر جنبه تبلیغاتی به خود گرفت. آنان با حضور در مساجد و برپایی مجالس زنانه شیوه‌های مبارزاتی را آموخته و برنامه‌های ضد مذهبی رژیم را نفی می‌کردند و در تظاهرات ها و راهپیمایی‌ها نیز حضور داشتند. تا آنجا که مرحوم آیت‌الله طالقانی در تظاهرات بعد از ۱۵ خرداد زنان را به فرشتگانی تشبیه می‌کند که مشتهای خود را گره کرده و علیه حکومت پهلوی شعار می‌دادند.

منابع

۱. اعظم، مراد حاصلی خامنه، (۱۳۸۶)، تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان مسلمان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. آفاری، ژانت، (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
۳. باقری، علی، (۱۳۸۸)، خاطرات ۱۵ خرداد، تهران: انتشارات حوزه هنری.
۴. تیموری، ابراهیم، (۱۳۶۱)، تحریم تنباکو: اولین مقاومت منفی در ایران، تهران: کتاب های جیبی.
۵. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، (۱۳۹۳)، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. حاجی بیگی کندری، محمد علی، (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی در ورامین، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۷. حافظیان، محمدحسین، (۱۳۸۰)، زنان و انقلاب: داستان ناگفته، تهران: اندیشه برتر.
۸. حسینیان، روح الله، (۱۳۸۲)، سه سال مرجعیت شیعه (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. دهنوی، محمد، (۱۳۶۰)، قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به روایت اسناد، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۰. دوانی، علی، (بی تا)، نهضت روحانیون ایران، تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا.
۱۱. روحبخش، رحیم، (۱۳۸۱)، نقش بازار در قیام پانزده خرداد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. روحانی، حمید، (۱۳۶۰)، نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات راه امام.
۱۳. شاهدی، مظفر، (۱۳۷۹)، اسدالله علم، مردی برای همه فصول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۱۴. شیرخانی، علی، (۱۳۷۵)، حماسه ۱۹ در ماه ۱۳۵۶. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. طهماسبی، ساسان، (۱۳۸۵)، نقش زنان در نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۶. عصر مبارزات امام در آینه اسناد به روایت اسناد ساواک، (۱۳۸۶)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. قیام پانزده خرداد به روایت اسناد(زندان)، (۱۳۷۸)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

۱۸. قیام پانزده خرداد به روایت اسناد(فیضیه)، (۱۳۷۸)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
۱۹. مرادی‌نیا، محمدجواد، (۱۳۷۷)، خمین در انقلاب، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و نشر عروج.
۲۰. مصفا، نسرین، (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: موسسه چاپ وزارت امور خارجه.
۲۱. منصورى، جواد، (۱۳۷۸)، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. موحدخوئی، جمیل، (۱۳۸۵)، سربداران کوچه و بازار (تاریخ معاصر)، قیام پانزده خرداد، تهران: اشجع، میکائیل.
۲۳. واحد، سینا، (۱۳۷۳)، زن و حضور تاریخی، تهران: مرکز نشر فرهنگی.
۲۴. واقعه کشف حجاب در دوره رضا شاه، (۱۳۷۳)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی و موسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی.
۲۵. یاران امام به روایت اسناد ساواک(محمدتقی فلسفی)، (۱۳۷۸)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
۲۶. یاران امام به روایت اسناد ساواک.(آیت الله سیدهادی میلانی)، (۱۳۸۰)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
۲۷. یاران امام به روایت اسناد، (۱۳۷۸)، نقش مطمئنه (شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب).

روزنامه‌ها

۱. روزنامه کیهان، ش ۱۰۶۱۱ ۲۳ دی. ۱۳۵۷

۲. زن مسلمان، ش ۱، مرداد ۱۳۵۹.

۳. کیهان، ش ۵۹۵۹، ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.

مجله روشنفکر، ش ۳۹۴، ۱۸ فروردین ۱۳۴۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی